

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زهره مهرجو
۲۷ سپتمبر ۲۰۱۹



زهره مهرجو

«آنسوی افق»

زمستان که می رسد
گاه، همچون صخره ای
در برابر دریا می نشیند ...
و خاموش، در صحنه سرخ آسمان
به نمایش وداع خورشید
چشم می دوزد؛
و به یاد می آورد .. گذشته های دور را
که هنوز
به حقیقت پر رمز و راز طلوع
بی اعتناء بود.

غمگین و بی هدف
در گوشه ای می نشست
و نگاهش، تردیدوار... در امتداد مرزها
فرو می نشست؛
ذره ناچیزی بود

در برابر حجم سنگین فاصله ها ...
آرزو می کرد
اما حرکت کردن را نمی دانست،
چون پرنده ای کوچک، بی مهارت پرواز
رو به خموشی می رفت ...

سایه ای بود
در میان اشباح سرگردان ...
بیگانه با بیکرانگی حقیقت خویش
که گاه و بی گاه چون طوفانی
برمی آشفته، تا بی ثباتی تکیه گاهش را
بر او .. آشکار سازد.

اما؛ کشاکش مدام درونش
میان سکون و حرکت ...
مرگ و زندگی ...
سرانجام او را به امواج خروشان دریا سپرد ...
مرزهای فراخ فرو ریختند
هستی به جریان درآمد ...
و افق بی انتها
در برابر دیدگانش نمایان گشت.

اینک
شرط آرامش او
جستن، یافتن
و پیش رفتن مداوم است ...
و از هیچ چیز هراسی ندارد؛
مگر از ماندن
پذیرفتن ...
و آرزوها را
به فراموشی سپردن.